

## **Predicting Couples' Happiness Based on Spiritual Intelligence and Lovemaking Styles: The Mediating Role of Marital adjustment**

**Z. Kermani Mamazandi <sup>1\*</sup>, A.M. Rezaei <sup>2</sup>**

1. Cognitive Science Research Group of Academic Center of Education, Culture and Research, Alborz Branch, Karaj, Iran & Ph.D. Student of Educational Psychology, School of Psychology and Education, Department of Educational Psychology, Semnan University, Semnan, Iran

2. Assistant Professor of Psychology, Department of Psychology, School of Education and Psychology, University of Semnan, Semnan, Iran

### **Abstract**

The purpose of this study was to predict couples' happiness based on spiritual intelligence and lovemaking styles with the mediating role of marital adjustment. Therefore 360 male and female, married students living in Tehran University dormitory were randomly selected and were asked to answer the items of Sternberg's Love Questionnaire, King's Spiritual Intelligence Scale, Oxford's Happiness Questionnaire and Spanier's Marital Adjustment Questionnaire. Structural equation modeling (path analysis) was used for data analysis. The results of path analysis showed that spiritual intelligence and lovemaking styles have direct effects on couples' happiness, and the spiritual intelligence did not have an indirect effect on couples' happiness whereas lovemaking styles had indirect effects on couples' happiness through marital satisfaction. Altogether the results of this research show that marital adjustment has a mediating role in predicting couples' happiness based on spiritual intelligence and lovemaking styles.

**Keywords:** spiritual intelligence, lovemaking style, couples' happiness, marital adjustment.

---

\* [z.kermani@semnan.ac.ir](mailto:z.kermani@semnan.ac.ir)

## پیش‌بینی شادکامی زوجین بر اساس هوش معنوی و سبک‌های عشق‌ورزی: نقش واسطه‌ای سازگاری زناشویی

زهرا کرمانی مامازندی<sup>۱\*</sup>، علی‌محمد رضایی<sup>۲</sup>

۱- عضو گروه پژوهشی علوم شناختی، جهاد دانشگاهی استان البرز. کرج. ایران و دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی،

دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

۲- استادیار روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

### چکیده

هدف از پژوهش پیش‌بینی شادکامی زوجین بر اساس هوش معنوی و سبک‌های عشق‌ورزی با نقش واسطه‌ای سازگاری زناشویی بود. طرح پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، به حجم ۳۶۰ دانشجوی متأهل مرد و زن از میان ۸۴۰ دانشجوی ساکن در خوابگاه متأهلین دانشگاه تهران انتخاب شد. به منظور جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه‌های عشق‌استرنبرگ، هوش معنوی کینگ، شادکامی آکسفورد و سازگاری زناشویی اسپانیر استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های همبستگی پیرسون و مدلیابی معادلات ساختاری (تحلیل مسیر) استفاده شد. نتایج نشان داد که هوش معنوی، سبک‌های عشق‌ورزی و سازگاری زناشویی با شادکامی زوجین رابطه معنی‌داری دارند. همچنین نتایج مدل نشان داد که هوش معنوی و سبک‌های عشق‌ورزی اثر مستقیمی بر شادکامی زوجین دارند. متغیر هوش معنوی اثر غیر مستقیمی بر شادکامی زوجین ندارد در حالی که سبک‌های عشق‌ورزی به واسطه سازگاری زناشویی با شادکامی زوجین رابطه دارد. در مجموع، نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که سازگاری زناشویی، نقش واسطه‌ای در پیش‌بینی شادکامی زوجین بر اساس هوش معنوی و سبک‌های عشق‌ورزی دارد.

**واژه‌های کلیدی:** هوش معنوی، سبک‌های عشق‌ورزی، شادکامی زوجین، سازگاری زناشویی

## مقدمه

احساس شادی<sup>۱</sup> و نشاط<sup>۲</sup> از ضروری‌ترین خواسته‌های فطری و نیازهای روانی انسان به شمار می‌رود و به دلیل تأثیرات عمده بر سالم‌سازی و بهسازی جامعه مدت مدیدی است که ذهن آدمیان را به خود مشغول کرده است (پورجمشیدی و بهشتی راد، ۱۳۹۵). یکی از مسائل مهم و تأثیرگذار در زندگی و پویایی آن، شادکامی است. شادکامی به معنای خوشی، خرمی، سرور، طراوت و زنده‌دلی، در رشد و بالندگی همسران و همچنین در بروز استعدادها و خلاقیت آنان نقش اساسی دارد. خانواده‌ای که بی‌نشاط و اندوهگین است نمی‌تواند از استعدادهای نهفته خویش بهره کافی را ببرد. زندگی زناشویی و مشترک اگر تهی از رضایت‌مندی، و شادکامی باشد، پایداری کمتری خواهد داشت. در زمینه عوامل شادکامی تحقیقات زیادی صورت گرفته است، (پناهی، ۱۳۸۸). از طرفی شادکامی جنبه‌ای از عواطف انسانی است که دارای جنبه‌ها و تجلیات مختلف فردی-اجتماعی، روانی-جسمانی و شناختی-عاطفی می‌باشد. از آنجا که شادکامی تأثیر کمی و کیفی زیادی بر زندگی دارد، در فرآیند تحول و توسعه مورد تأکید و توجه قرار گرفته است (وینهنون، ۱۹۹۳). مطالعه روابط زوجها می‌تواند به تصحیح چهارچوب ساختاری روابط زوجها کمک کند. مهمترین اجزای کیفیت روابط زناشویی، شادکامی زوجین است که نشان دهنده سطح شادکامی در ابعاد متنوع از روابط زناشویی است (داش، تیلور، کروگر، ۲۰۰۸). به طور ضمنی سطحی از شادکامی (بالا و پایین)، تعیین‌کننده سطح سازگاری افراد است، به عبارت دیگر هر قدر سطح شادکامی زوجین پایین باشد، سطح سازگاری آنها پایین می‌آید به طوریکه

افراد دیگر تمایل به زندگی با شریک فعلی خود ندارند، زیرا که احتمال می‌دهند مانند گذشته سازگاری‌ها ادامه پیدا کند (کیرنس و لانارد، ۲۰۰۴). شادکامی زوجین یک ساختار موازی (اما مترادف نیست) با رضایت است، که شامل ابعاد نگرش و همچنین احساسات و عواطف مثبت است (وانلانینگام، جانسون و آماتو، ۲۰۰۱). کیمبل و ویلیز (۲۰۰۶) عقیده دارند که شادکامی مانند سلامتی یا سرگرمی یک ویژگی خوب با درجه بالا است. شادکامی از جهت اثرات آن در خانواده، نیز اهمیت دارد. شادکامی امری مسری است، یعنی شادی یک فرد می‌تواند در دیگران نیز شادی پدید آورد. دیگر اینکه بستگی فرد را با محیط می‌گستراند و زندگی را دلپذیرتر می‌سازد (عابدی، ۱۳۸۳). توبلین (۲۰۱۰) نیز معتقد است زندگی شاد زوجین با انتظارات واقعی از یکدیگر برآورده می‌شود. به همین دلیل ضروری است که به عوامل مؤثر بر شادکامی زوجین توجه شود. با شناسایی این عوامل می‌توان بر رضایت و شادکامی ازدواج‌های موجود افزود و از این طریق از پیامدهای ناگوار نابسامانی‌های خانوادگی جلوگیری کرد.

برخی از نظریه‌پردازان رسیدن به شادکامی را از طریق توجه به ارزش‌ها و اهداف معنوی، نیازهای اساسی، معنادار بودن زندگی و عشق به خدا امکان پذیر می‌دانند (مالتی، لویز و دی، ۲۰۰۰). و نیایش و ارتباط معنوی با خداوند و برخورداری از زندگی معنوی، را از عوامل مهم و اساسی در ایجاد شادکامی می‌دانند (پناهی، ۱۳۸۸). دینر و سو (۱۹۹۷) معتقدند که، افراد دارای گرایش دینی، با این عقیده که در جهان مقصد والایی وجود دارد، می‌توانند شادکامی و خوشبختی خود را افزایش دهند. از نظر رایس (۲۰۰۱) شادکامی مبتنی بر ارزش، حاکی از معنی دار بودن زندگی است و

<sup>1</sup> happiness

<sup>2</sup> vivacity

دست آمده است (مایرز، ۲۰۰۲). استارکس و هوگی (۲۰۰۳) در پژوهشی نشان دادند که معنویت با رضایت از زندگی همبستگی مثبت دارد. نتایج یافته‌های ضمیری نژاد، پیلتن، حق شناس، تیرایی و اکابری (۱۳۹۲) نشان داد که هوش معنوی به صورت معنی‌داری قادر به پیش‌بینی شادکامی در دانشجویان است. باب الحوائجی، رستمی نسب، تاج‌الدینی و هاشمی نسب (۱۳۹۰) و حیدری، کوروش نیا و حسینی (۱۳۹۴) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که، ارتباط معنی‌داری بین هوش معنوی و شادکامی وجود دارد.

یکی دیگر از متغیرهایی که با شادکامی ارتباط دارد، سبک‌های عشق‌ورزی است. با توجه به اهمیت مفهوم عشق و عشق‌ورزی، نظریه‌های بسیاری در این زمینه مطرح شده است، اما یکی از مهم‌ترین آنها که به تبیین اجزا و انواع عشق می‌پردازد، نظریه مثلثی عشق است که توسط یکی از روانشناسان معاصر به نام استرنبرگ (۱۹۸۶) ابداع شده است. مؤلفه‌های عشق استرنبرگ عبارتند از: ۱- شهوت<sup>۲</sup>: احساس جذابیت فیزیکی همراه با کنش فیزیولوژی، جذابیت جنسی و اشتغال ذهنی مثبت به معشوق. این بعد جنبه انگیزشی دارد و میل شدید همراه با برانگیختگی فیزیولوژی توأم با میل به رابطه جنسی عطوفت‌ورزانه در فرد ایجاد می‌کند. ۲- صمیمیت<sup>۳</sup>: احساس محبت و اظهار آن، علاقه، مراقبت، مسئولیت، همدلی و غمخواری نسبت به فردی که او را دوست دارد. صمیمیت جنبه هیجانی و عاطفی دارد و نوعی احساس گرمی، محبت، نزدیکی، مرتبط بودن و در قید و بند طرف مقابل بودن در فرد ایجاد می‌کند. ۳- تعهد<sup>۴</sup>: شامل تصمیم‌های خودآگاهانه و غیر خودآگاهانه‌ای می‌شود که فرد برای دوست داشتن

یکی از مهمترین و مؤثرترین راه‌ها ارضای امیال، روی آوردن به معنویت می‌باشد که می‌تواند میل به افتخار و احترام را برآورده کند. این راه مبتنی بر ارزش‌ها، به سمت شادکامی‌های بزرگتر و مهمتر منتهی می‌شود.

سازه هوش معنوی یکی از مفاهیمی است که در پرتو توجه و علاقه روان‌شناسان به حوزه دین و معنویت شکل گرفته است. مفهوم هوش معنوی در ادبیات علمی روان‌شناسی، برای اولین بار در سال ۱۹۸۳ توسط گاردنر با عنوان هوش وجودی و در سال ۱۹۹۶ توسط استیونز و بعد در سال ۱۹۹۹ توسط رابرت ایمونز مطرح شد. هوش معنوی سازه‌های معنویت و هوش را درون یک سازه جدید ترکیب می‌کند (ایمونز، ۲۰۰۰). هوش معنوی بیانگر مجموعه‌ای از توانایی‌ها و ظرفیت‌های معنوی است که کاربرد آنها در زندگی روزانه می‌تواند موجب افزایش انطباق‌پذیری فرد شود. در تعریف هوش معنوی، به‌ویژه بر نقش آن در حل مسائل وجودی و یافتن معنا و هدف در اعمال و رویدادهای زندگی روزمره تاکید می‌شود (کینگ، ۲۰۰۸). هوش معنوی موجب می‌شود که انسان با ملایمت و عطوفت بیشتری به مشکلات نگاه کند، تلاش بیشتری برای یافتن راه حل داشته باشد، سختی‌های زندگی را بهتر تحمل کند و به زندگی خود پویایی و حرکت دهد (الکین، ۲۰۰۴). این هوش بیشتر مربوط به پرسیدن است تا پاسخ دادن، بدین معنا که فرد سؤالات بیشتری را در مورد خود، زندگی و جهان پیرامون خود مطرح می‌کند (مکمولن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳ به نقل از رحیم‌پور، صالحی، حسینیان و عباسیان، ۱۳۹۲). در مطالعاتی که در آمریکای شمالی انجام گرفته است، بین شادکامی و پرداختن به فعالیت‌های معنوی همبستگی بالایی به

<sup>2</sup> Passion

<sup>3</sup> Intimacy

<sup>10</sup> Commitment

<sup>1</sup> Memollen

بر طبق نتایج پژوهش آنها تولیدمثل و رفتارهای جنسی نیز جنبه‌های دیگری از عشق هستند، اما اجتماع، حمایت اجتماعی، سلامت و بقا به طور واضح مؤلفه‌های سودمندی از مفهوم زیست‌شناختی عشق را مشخص می‌کنند.

مطابق با دیدگاه روان‌شناسان اجتماعی سه عامل عاطفه، اعتماد و خود‌افشاگری احساس صمیمیت را شکل می‌دهند. روابط صمیمی، خلاقیت، بارآوری و یکپارچگی هیجانی را تقویت می‌کند. صمیمیت که یکی از مؤلفه‌های سبک‌های عشق‌ورزی است، با شادکامی، خرسندی و حالت بهزیستی همراه است و ارتباط صمیمی در یک رابطه جنسی سالم و کاملاً رضایت‌بخش نقش دارد. تعهد بالا نیز به عنوان یکی از مؤلفه‌های عشق رفاقتی با سلامت در ارتباط است. افراد دارای تعهد بالا، زندگی هدفمندی دارند و در رویدادهای بالقوه تنیدگی‌زا، به معنایی دست می‌یابند که به واسطه آن راهبردهای مقابله‌ای فعال را اتخاذ می‌کنند (استروب، ۲۰۰۲).

یکی از متغیرهایی که می‌تواند، نقش واسطه‌ای در رابطه شادکامی زوجین، هوش معنوی و سبک‌های عشق‌ورزی داشته باشد، سازگاری زناشویی است. توماس (۱۹۷۷) سازگاری زناشویی را حالتی می‌داند که در آن زن و شوهر احساسات شادکامی و رضایت نسبت به همسر و ازدواج دارند. مسأله مهم در ازدواج سازگاری زناشویی و رضایت از ازدواج است. زوجین سازگار، کسانی هستند که توافق زیادی با یکدیگر دارند از نوع و سطح روابط خود و همچنین از کیفیت گذران اوقات فراغت خود رضایت دارند و مدیریت خوبی در زمینه وقت و مسائل مالی خودشان اعمال می‌کنند (گریف، آبراهام، مالهرب و هیلگارد،

دیگری اتخاذ و خود را متعهد به حفظ آن می‌کند. این حالت جنبه شناختی دارد و دربردارنده تصمیم کوتاه مدت و بلند مدت برای دوست داشتن و مراقبت متعهدانه از معشوق است (استرنبرگ، ۱۹۸۶). وجود تعهد در رابطه، باعث شکل‌گیری اعتماد و اطمینان می‌شود. احساس تعهد نسبت به همسر نیز موجبات توجه به خواسته‌های وی، صرف وقت و توجه را فراهم می‌سازد. در خانواده‌های متعهد، اعضا نه تنها خود را وقف آسایش و بهزیستی خانواده می‌کنند بلکه در رشد و تعالی هر یک از اعضای آن می‌کوشند (هریس، ۲۰۰۶). تعهد به زوجین اجازه می‌دهد تا به طور مؤثری در برابر خواسته‌های یکدیگر انعطاف داشته باشند و در نهایت از روابط خود لذت بیشتری می‌برند و به شادکامی دست پیدا می‌کنند (پترسون، ۲۰۰۲). ایش و استفانو (۲۰۰۵) نشان داده‌اند که عشق پیامدهایی برای سلامت و بهزیستیدارد و ممکن است مناطق مغزی مرتبط با هیجان، توجه، انگیزش و حافظه (یعنی ساختارهای لیمبیک) را فعال سازد و همچنین دستگاه عصبی خودمختار را کنترل کند؛ یعنی تنیدگی را کاهش دهد و عملکرد دستگاه ایمنی را بهتر سازد. برخی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عشق یک پیش‌بینی‌کننده مهم شادکامی، رضایت و هیجان‌های مثبت است و تولید مثل را تسهیل و باعث حس امنیت و کاهش اضطراب و تنیدگی می‌شود (کیم و هاتفیلد، ۲۰۰۴). نتایج یافته‌های رفیعی‌نیا و اصغری (۱۳۸۶) نشان داد که عشق با عاطفه مثبت ارتباط مستقیم و معنادار و با عاطفه منفی ارتباط معکوس و معنادار داشت. نتایج مطالعات گوانزاکا، کیتنر، لانداهی و اسمیت (۲۰۰۶) نشان داد که عشق تنها با حالت‌های هیجانی مثبت‌تر مرتبط است، یعنی میزان ابراز و تجربه عشق، تنها پیامدهای روابط مثبت را پیش‌بینی می‌کند.

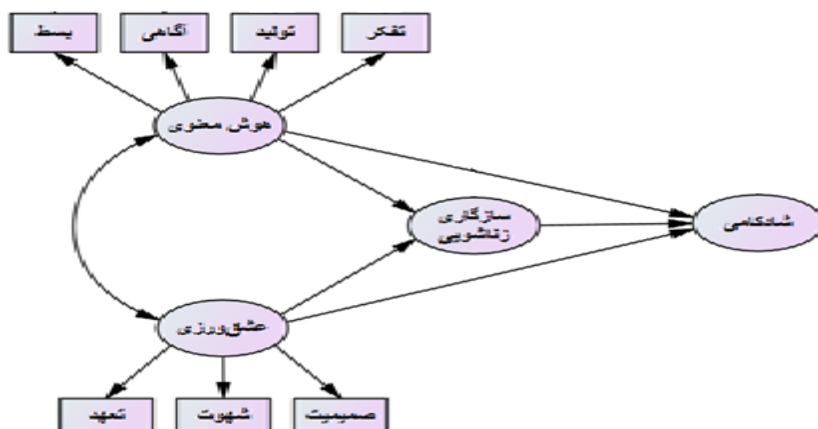
به نظر می‌رسد یکی از عوامل موثر در میزان شادکامی انسان، برقراری و حفظ روابط بین فردی منسجم و داشتن تماس اجتماعی مداوم و پایدار است. تحقیقات آرجیل بیانگر آن است که رابطه زناشویی موفق باعث شادمانی و ایجاد خلق مثبت در فرد می‌شود (آرجیل، ۲۰۰۰). یافته‌های بلاغت، ابراهیم زاده اسمین، موسوی نژاد، خزاعی و محمودوند (۱۳۹۲) نشان داد که میزان عاطفه مثبت و الگوهای معین تبادل عاطفی منفی، پیش‌بینی‌کننده سطوح تغییر رضایت از ازدواج است. شادکامی آرامش فکری است که نتایج مطلوبی را برای زندگی پیش‌بینی می‌کند و رضایت از زندگی را افزایش می‌دهد (کوهن، یون و جانسن، ۲۰۰۹). امیری مجد و زری مقدم (۱۳۸۹) نشان دادند که بین شادکامی و رضایت زناشویی رابطه معنادار وجود دارد. با افزایش شادکامی در زندگی، هیجان‌ات مثبت در زوجین بیشتر شده و باعث می‌شود که مشکلات را به عنوان یک پدیده مثبت ارزیابی کنند. در این صورت با ارتباط متقابل مناسب که ریشه در هیجان‌ات مثبت دارد مشکلات را حل می‌کنند و به رضایت در زندگی می‌رسند (وانلانینگام و همکاران، ۲۰۰۱). با توجه به آنکه شاد بودن نقش مهمی در زندگی انسان دارد و شادکامی از خصیصه‌های لازم برای بهره بردن از زندگی و ارتقای رضایت زندگی است، لذا پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی شادکامی زوجین بر اساس هوش معنوی و سبک‌های عشق‌ورزی با نقش واسطه‌ای سازگاری زناشویی انجام شد. از این رو مدل مفهومی پژوهش حاضر در شکل (۱) ارائه شده است.

۲۰۰۰). فینچام<sup>۱</sup> و بیچ<sup>۲</sup>، (فینچام و بیچ ۲۰۰۰ به نقل از شاه سیاه، بهرامی، اعتمادی و مجبی، ۱۳۸۹) بیان کردند، اولین عامل که در سازگاری زناشویی مؤثر است، عامل شناختی است یافته‌های ساتکین، فتحی آشتیانی، قهوه چی الحسینی و اله وردی (۱۳۹۳)؛ رحیم پور و همکاران (۱۳۹۲) و زارعی، احمدی سرخونی (۱۳۹۱) نشان داد که هوش معنوی با سازگاری زناشویی رابطه دارد.

یافته‌های هدایتی دانا و صابری (۱۳۹۳)؛ داغله، عسگری و حیدری (۱۳۹۱)؛ پاتریک، سلز، گیوردانو و تلوود (۲۰۰۷) حکایت از آن دارد که بین سبک‌های عشق‌ورزی و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد. همچنین نتایج یافته‌های سپهریان آذر، محمدی، بدلیپور و نوروز زاده (۱۳۹۵) نشان داد با افزایش شادکامی بر سطح رضایت زناشویی دانشجویان متأهل افزوده می‌شود. پروچینو، ویلسون، گیندرسون و کارت رایت (۲۰۰۹) بیان کردند که سازگاری زناشویی موجب افزایش عمر، امید به زندگی، شادکامی و نیز کاهش احتمال ابتلای زوجین به بیماری‌های جسمی و روانی می‌گردد. یافته‌های دیمکپا (۲۰۱۰) نشان داد که اصطلاح سازگاری زناشویی بر توانایی زوجین برای راضی و شاد شدن و کسب موفقیت در تعدادی از وظایف خاص مربوط به ازدواج اشاره دارد. نتایج تحقیقات دهلی و لندرز (۲۰۰۵) نشان داد که سازگاری زناشویی یکی از عوامل مهم و مؤثر بر سلامتی زوجین و از مهم‌ترین شاخص‌های رضایت زندگی است. سازگاری زناشویی مجموعه‌ای از عوامل نظیر حل تعارض موفقیت‌آمیز، یا موفقیت در فعالیت‌های مرتبط با شادکامی در فرآیند ازدواج را دربر می‌گیرد.

<sup>1</sup> Fincham

<sup>2</sup> Beach



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

## روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان متأهل ساکن در خوابگاه‌های متأهلی دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ بودند. نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و به حجم ۴۰۰ دانشجوی متأهل مرد و زن از میان ۸۴۰ دانشجوی ساکن در خوابگاه متأهلین دانشگاه تهران انتخاب شدند. جهت انتخاب نمونه پس از هماهنگی با مدیریت خوابگاه‌ها و دستیابی به لیست افراد، برای هر یک از اعضای جامعه شماره‌ای تهیه شد. سپس از میان شماره‌های موجود با استفاده از روش قرعه‌کشی اعضای گروه نمونه شناسایی شده و با مراجعه به افراد پرسش‌نامه‌ها تکمیل شد. ۴۰ پرسش‌نامه به دلیل نقص در پاسخ‌گویی از بررسی کنار گذاشته شد و در نهایت پرسش‌نامه ۳۶۰ آزمودنی (۱۸۰ مرد و ۱۸۰ زن) تحلیل شد.

ابزار سنجش: پرسش‌نامه هوش معنوی<sup>۱</sup>. این پرسش‌نامه در سال ۲۰۰۸ توسط کینگ طراحی و ساخته شد که دارای ۲۴ گویه است و هر گویه در یک طیف لیکرت از ۰ تا ۴ (کاملاً نادرست: ۰ تا کاملاً

درست: ۴) نمره‌گذاری می‌شود. در نهایت فرد نمره‌ای بین ۰ تا ۹۶ به دست می‌آورد که نمره بالاتر نشان دهنده هوش معنوی بیشتر است. این پرسش‌نامه چهار زیر مقیاس دارد که عبارتند از: تفکر وجودی انتقادی دارای ۷ سوال و نمره کل آن بین ۰ تا ۲۸ است. تولید معنای شخصی دارای ۵ سوال و نمره کل آن بین ۰ تا ۲۰ است. آگاهی متعالی دارای ۷ سوال و نمره کل آن بین ۰ تا ۲۸ است. بسط حالت هوشیاری دارای ۵ سوال و نمره کل آن بین ۰ تا ۲۰ است. سوال ۶ باید به صورت معکوس نمره‌گذاری شود. در نسخه انگلیسی این پرسش‌نامه آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۲ و برای زیر مقیاس‌های آن به ترتیب تفکر وجودی انتقادی ۰/۷۸، تولید معنای شخصی ۰/۷۸، آگاهی متعالی ۰/۸۷، بسط حالت هوشیاری ۰/۹۱ به دست آمده است (کینگ و دیسیکو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹). در یک مطالعه در ایران نیز روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه بر اساس نظر متخصصان تأیید شد. پایایی زیر مقیاس‌ها به ترتیب، تفکر وجودی انتقادی ۰/۷۶، تولید معنای شخصی ۰/۷۸، بسط حالت هوشیاری ۰/۷۲، آگاهی متعالی ۰/۸۰ و پایایی کل پرسش‌نامه نیز با آلفای

<sup>2</sup> King & Decicco

<sup>1</sup> The Spiritual Intelligent SelfReport Inventory

عبارت‌اند از: (۱، ۵، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۹، ۲۳، ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۲۹). هیلز و آرجیل (۲۰۰۲) ضریب پایایی پرسش‌نامه را ۰/۹۱ و همبستگی درونی گویه‌ها را ۰/۶۵ گزارش کرده‌اند. پژوهش‌گران این پرسش‌نامه را در ایران مورد استفاده قرار داده‌اند و شواهد قابل قبولی از روایی و پایایی آن ارائه شده است. هادی‌نژاد و زارعی (۱۳۸۸) در پژوهش خود این پرسش‌نامه را بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی هنجاریابی کردند و علاوه بر بررسی روایی محتوایی و روایی همگرا و واگرای این پرسش‌نامه با پنج عامل بزرگ شخصیت، پایایی بازآزمایی آن را برابر با ۰/۷۸ و آلفای کرونباخ آن را برابر با ۰/۸۴ گزارش کرده‌اند. ثابت و لطفی کاشانی (۱۳۸۹) نیز شواهدی از روایی سازه این پرسش‌نامه ارائه کرده و ضریب آلفای کرونباخ آن را برای گروه پسران برابر با ۰/۸۸ و برای گروه دختران برابر با ۰/۹۱ گزارش کرده‌اند.

مقیاس سازگاری زناشویی اسپانیر<sup>۳</sup>. این مقیاس (DAS) یک ابزار ۳۲ سؤالی برای ارزیابی کیفیت رابطه زناشویی از نظر زن و شوهر و شاخص‌های کلی زناشویی را تعیین می‌کند. تحلیل عاملی نشان می‌دهد که این مقیاس چهار بعد رابطه را می‌سنجد، که عبارتند از: رضایت دونفره<sup>۴</sup>، همبستگی دونفره<sup>۵</sup>، توافق دونفره<sup>۶</sup> و ابراز عواطف دونفره<sup>۷</sup>. رضایت دونفره میزان توافق بین زن و شوهر در مورد طلاق یا جدایی، ترک کردن خانه بعد از دعوا، اعتماد به همسر، دعوا یا نزاع بین زن و شوهر، ابراز علاقه به یکدیگر. همبستگی دونفره شامل علائق مشترک بین زن و شوهر، ترغیب یکدیگر به تبادل افکار، شادمانی و خندیدن با هم، آرام بحث کردن درباره چیزی و کار کردن با هم است. توافق دونفره میزان توافق یا عدم توافق بین زن و شوهر در

کرونباخ ۰/۹۱ گزارش شده است (حریری و زرین آبادی، ۱۳۹۰).

پرسش‌نامه عشق<sup>۱</sup> این مقیاس توسط استرنبرگ در دانشگاه نوریس ایسترن بوستون ساخته شده است که مشتمل بر ۴۵ جمله و دارای سه خرده مقیاس تعهد، شهوت و صمیمیت می‌باشد. ۱۵ جمله اول، صمیمیت؛ ۱۵ جمله بعدی، شهوت؛ ۱۵ جمله آخر تعهد دو نفر را منعکس می‌کند. آزمودنی میزان موافقت خود را با هر جمله از ۱ اصلاً، ۵ به طور متوسط و ۹ به طور کامل مشخص می‌کند. بهترین حالت ممکن زمانی است که نمرات در هر سه خرده مقیاس تقریباً یکسان باشد. بر اساس تحقیق استرنبرگ همبستگی خرده مقیاسها در این جملات ۰/۲۱ تا ۰/۶۵ بوده است. ضریب پایایی برای کل آزمون ۰/۹۰ محاسبه شده است (استرنبرگ، ۱۹۹۷/۱۳۸۶ ترجمه بهرامی). بخشنده (۱۳۸۱) روایی پایایی این پرسش‌نامه را مورد محاسبه قرار داده است. وی برای بررسی اعتبار این پرسش‌نامه از پرسش‌نامه‌های ملاک روابط فرد با خود و دیگران استفاده کرده است. ضریب اعتبار به دست آمده ۰/۴۳ و ضریب آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب ۰/۴۲ و ۰/۸۶ به دست آورده است. همچنین پایایی این پرسش‌نامه توسط فرحبخش و شفیع آبادی (۱۳۸۵) برای کل آزمون ۰/۸۹ و برای خرده مقیاس‌ها به ترتیب صمیمیت، ۰/۶۵، شهوت، ۰/۵۴ و تعهد، ۰/۶۶ گزارش شده است.

پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد<sup>۲</sup>. برای سنجش شادکامی از پرسش‌نامه تجدیدنظرشده هیلز و آرجیل (۲۰۰۲) استفاده شد. این پرسش‌نامه دارای ۲۹ سؤال و مقیاس پاسخ‌گویی ۶ درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۶) است که ۱۲ سؤال آن به صورت معکوس نمره گذاری می‌شود. سؤال‌های معکوس

<sup>3</sup> Spanier Dyadic Adjustment Scale

<sup>4</sup> Dyadic Satisfaction (DS)

<sup>5</sup> Dyadic Cohesion (D Coh)

<sup>6</sup> Dyadic Consensus (D Con)

<sup>7</sup> Affectional Expression (AE)

<sup>1</sup> Love Inventory

<sup>2</sup> Oxford Happiness Questionnaire



همبستگی بین نمرات زنان و شوهران طی دوبار اجرا در کل نمرات ۰/۸۶، مقیاس فرعی اول ۰/۶۸، مقیاس فرعی دوم ۰/۷۵، مقیاس فرعی سوم ۰/۷۱ و مقیاس فرعی چهارم ۰/۶۱ بدست آمده است (دانش، ۱۳۸۴). برای افزایش قابلیت اعتماد مقیاس، تعدادی از سؤالات به صورت مثبت و تعدادی به صورت منفی طراحی شده است. میانگین نمرات زوج‌های سازگار در مطالعه وی ۱۱۴/۷ و در زوج‌های ناسازگار ۷۰/۷ بود (دانش، ۱۳۸۴).

*روش اجرا و تحلیل:* برای گردآوری اطلاعات پس از هماهنگی‌های لازم با مدیریت خوابگاه‌ها و دستیابی به لیست افراد، برای هر یک از اعضای جامعه شماره‌ای تهیه شد. سپس از میان شماره‌های موجود با استفاده از روش قرعه‌کشی اعضای گروه نمونه شناسایی شده و با مراجعه به افراد و ایجاد رابطه مناسب و کسب رضایت زوجین، توضیحات لازم به آنها ارائه شد. سپس از زوجین خواسته شد پرسشنامه‌ها را تکمیل نمایند. پس از دریافت پرسشنامه‌ها با استفاده از کد عددی که به هر پرسشنامه داده شده بود، پرسشنامه‌ها در بسته نرم افزار آماری SPSS نسخه ۱۹ وارد شدند. به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل اطلاعات، همبستگی پیرسون و مدلیابی معادلات ساختاری به کمک نرم افزارهای SPSS<sub>v19</sub> و AMOS<sub>v20</sub> انجام شد.

### یافته‌ها

یافته‌های حاصل از این مطالعه که با استفاده از روش همبستگی و مدل‌یابی معادلات ساختاری مورد بررسی قرار گرفته‌اند در جدول (۱) تا (۳) ارائه شده است. برخی از شاخص‌های توصیفی همچنین میانگین و انحراف استاندارد و همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول (۱) ارائه شده است.

زمینه امور مالی و اقتصادی، در تفریح و سرگرمی‌ها، در موضوعات مذهبی، درباره دوستان، در رفتارهای متعارف، فلسفه و هدف از زندگی، نحوه ارتباط با خویشاوندان، اتخاذ تصمیم‌های اساسی، مورد اوقات فراغت، علائق، فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به شغل را نشان می‌دهد. ابراز عواطف دونفره میزان توافق یا عدم توافق بین زن و شوهر در ابراز عواطف و رابطه جنسی است. مقیاس سازگاری زناشویی اسپانیر سه نوع مقیاس متفاوت رتبه بندی به دست می‌دهد. نمره کل مجموع تمام سؤالات بین ۰ تا ۱۵۱ است. نمرات بالاتر نشان دهنده رابطه بهتر است. پاسخدهی به ۳۲ سؤال این مقیاس به سبک لیکرت است که برای افزایش پایایی آن، تعدادی از سؤالات به صورت مثبت و تعدادی به صورت منفی طراحی شده‌اند. سؤالات خرده مقیاس‌ها از این قرار است: رضایت دو نفره: ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۳۱، ۳۲، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، توافق دو نفره: ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ابراز عواطف دو نفره: ۴، ۶، ۲۹، ۳۰. افرادی که نمره آنها ۱۰۱ و یا کمتر از آن باشد، از نظر اسپانیر دارای مشکل و ناسازگار تلقی می‌شوند (ثنایی، ۱۳۷۹).

اسپانیر (۱۹۷۶) اعتبار این مقیاس را در کل نمرات ۰/۹۶ برآورد کرده است که نشان می‌دهد این مقیاس از همسانی درونی قابل توجهی برخوردار است. همسانی درونی خرده مقیاس‌ها را نیز بین خوب تا عالی برآورد کرده است که عبارتند از: مقیاس رضایت دونفره ۰/۹۴، همبستگی دونفره ۰/۸۱، توافق دونفره ۰/۹۰ و ابراز عواطف دونفره ۰/۷۳. در کشور ما نیز این مقیاس در سال ۱۳۷۴ توسط حسین نژاد هنجاریابی شده است. این مقیاس با روش بازآزمایی و با فاصله زمانی ۱۰ روز روی نمونه‌ای متشکل از ۱۲۰ نفر از زوجین (۶۰ زن و ۶۰ مرد) اجرا گردید و برای بررسی میزان همبستگی نمرات از روش گشتاوری پیرسون استفاده شد. ضریب

جدول ۱. ماتریس همبستگی متغیرهای پیش‌بین و ملاک

مولفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	تفکر	تولید	آگاهی	بسط	صمیمیت	شهوت	تعهد	شادکامی
تفکر	۱۸/۷۹	۴/۸۰	۱							
تولید	۱۴/۴۷	۳/۴۸	۰/۷۱۰**	۱						
آگاهی	۱۷/۸۶	۴/۹۹	۰/۷۰۸**	۰/۷۰۴**	۱					
بسط	۹/۸۱	۴/۳۱	۰/۴۷۷**	۰/۳۵۵**	۰/۵۸۷**	۱				
صمیمیت	۱۱۸/۵۳	۱۶/۲۷	۰/۱۷۸**	۰/۳۶۰**	۰/۱۹۲**	۰/۰۲۰	۱			
شهوت	۱۰۵/۲۲	۱۹/۶۰	۰/۱۸۵**	۰/۲۴۸**	۰/۲۴۹**	۰/۱۲۱*	۰/۶۵۷**	۱		
تعهد	۱۲۶/۲۶	۱۱/۰۳	۰/۰۸۸	۰/۲۵۰**	۰/۱۱۷*	-۰/۰۲۰	۰/۷۲۱**	۰/۶۰۳**	۱	
شادکامی	۱۲۷/۹۲	۱۸/۶۹	۰/۳۴۴**	۰/۴۳۲**	۰/۳۵۵**	۰/۲۹۰**	۰/۳۴۷**	۰/۲۵۶**	۰/۳۳۸**	۱
سازگاری	۱۱۶/۷۰	۱۸/۷۱	۰/۲۱۱**	۰/۲۹۲**	۰/۲۲۳**	۰/۰۳۱	۰/۷۲۵**	۰/۵۳۲**	۰/۶۴۱**	۰/۳۷۳**

\* $p < 0/05$  \*\* $p < 0/01$ 

بررسی قرار گیرند، قبل از ارائه مدل مفروض ابتدا مدل اندازه‌گیری شامل مدل متغیر مکنون هوش معنوی و مدل متغیر مکنون سبک‌های عشق‌ورزی مورد تحلیل قرار گرفت تا مشخص شود که از میان نشانگرهای موجود برای هر متغیر مکنون کدام یک الگوی نهایی متغیر مکنون مربوطه را تشکیل داده و برازش مناسبی با داده‌ها نشان می‌دهد. بنابراین برای برآورد الگو از روش بیشینه درست‌نمایی و شاخص‌های ریشه واریانس خطای تقریب<sup>۱</sup> (RMSEA)، ریشه استاندارد واریانس پس‌مانده<sup>۲</sup> (SRMR)، شاخص برازندگی مقایسه‌ای<sup>۳</sup> (CFI)، شاخص برازش نرم‌شده<sup>۴</sup> (NFI) شاخص نیکویی برازش<sup>۵</sup> (GFI) و شاخص نیکویی برازش تعدیل شده<sup>۶</sup> (AGFI) استفاده شد. برای شاخص‌های برازندگی برش‌های متعددی توسط متخصصان مطرح شده است. برای مثال، مقدار مساوی یا کمتر از ۰/۰۵ برای ریشه واریانس خطای تقریب،

نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد که همه مؤلفه‌های هوش معنوی (تفکر، تولید و آگاهی) با سازگاری زناشویی رابطه معناداری دارند. همچنین همه مؤلفه‌های عشق‌ورزی (صمیمیت، شهوت و تعهد) و همچنین متغیر شادکامی با سازگاری زناشویی رابطه معناداری دارند. علاوه بر آن در این پژوهش به منظور بررسی پیش‌بینی شادکامی زوجین بر اساس هوش معنوی و سبک‌های عشق‌ورزی با نقش واسطه‌ای سازگاری زناشویی از روش مدل معادلات ساختاری (تحلیل مسیر) به کمک نرم‌افزار AMOS استفاده شد. قبل از انجام تحلیل‌های مربوطه، وضعیت کلی داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت. ابتدا مفروضات این روش مورد بررسی قرار گرفت. داده‌های پرت تک متغیری با استفاده از نمودار مستطیلی (Box Plot) بررسی و نتایج نشان داد که هیچ داده پرتی وجود ندارد. همچنین کجی و چولگی داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS محاسبه و نتایج نشان داد کجی و چولگی هیچ کدام از مقادیر بیشتر از  $\pm 1$  نمی‌باشد. پس از کلیه تحلیل‌های مقدماتی از آنجایی که در مدلیابی معادلات ساختاری لازم است دو مدل اندازه‌گیری و ساختاری مورد

<sup>1</sup> Root Mean Square Error of Approximation<sup>2</sup> Standardized Root Mean Square Residual<sup>3</sup> Comparative Fit Index<sup>4</sup> Normed Fit Index<sup>5</sup> Goodness of Fit Index<sup>6</sup> Adjusted Goodness of Fit Index

نیکویی برآزش تعدیل شده بزرگتر از ۰/۹ و شاخص‌های ریشه واریانس خطای تقریب و ریشه واریانس پس‌ماند کوچکتر از ۰/۰۵ باشد برآزش بسیار مطلوب و کوچکتر از ۰/۱ برآزش مطلوب دلالت دارد (برکلی، ۱۹۹۰). شاخص‌های برآزندگی مدل نهایی پژوهش در جدول (۲) ارائه شده است.

مقدار مساوی یا بالاتر از ۰/۹۶ برای شاخص برآزندگی مقایسه‌ای و برآزش نرم شده، مقدار مساوی یا کمتر از ۰/۰۷ برای ریشه استاندارد واریانس پس‌ماند، نشان‌دهنده برآزندگی کافی مدل است (جورسکوگ و سوربوم، ۲۰۰۳). از طرف دیگر پیشنهاد شده است که اگر شاخص‌های برآزندگی مقایسه‌ای، نیکویی برآزش و

### جدول ۲. شاخص‌های برآزش مدل نهایی پژوهش

مدل	*X <sup>2</sup> /df	CFI	NFI	RMSEA	RMSEA CI 90%	SRMR	GFI	AGFI
مدل نهایی	۲/۲۶	۰/۹۲	۰/۹۱	۰/۰۶۵	۰/۰۸۸-۰/۰۵۱	۰/۰۳۵	۰/۹۲	۰/۸۹

\*مجدور کای به روش بیشینه درست نمایی

با توجه به مناسب بودن اکثر شاخص‌های برآزش در ادامه اثرات مستقیم، غیرمستقیم و اثرات کل هر یک از متغیرها ارائه خواهد شد (جدول ۳).

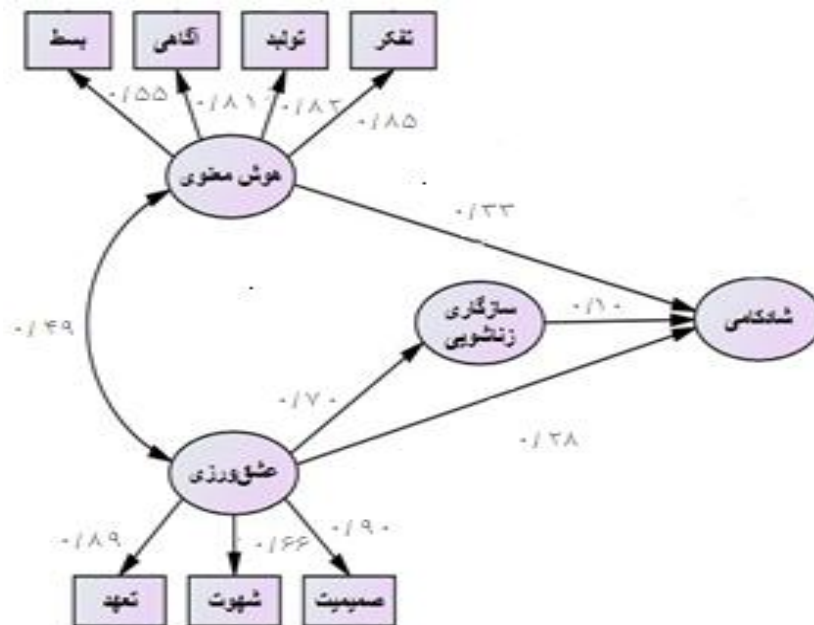
### جدول ۳. برآورد اثر مستقیم، غیرمستقیم و کل برای متغیرهای پژوهش

مسیرها		اثرات مستقیم		اثرات غیرمستقیم		اثرات کل	
به شادکامی	اثر	میزان t	اثر	میزان t	اثر	میزان t	اثر
هوش معنوی	۰/۳۳*	۶/۵۲	۰/۰۸	۱/۰۸	۰/۳۳	۶/۵۲	۰/۳۳
سبک‌های عشق‌ورزی	۰/۲۸*	۴/۶۸	۰/۲۵*	۴/۴۴	۰/۲۸	۴/۱۲	۰/۲۸
سازگاری زناشویی	۰/۱۰*	۲/۶۶	---	---	۰/۱۰	۲/۶۶	۰/۱۰
<b>به سازگاری زناشویی</b>							
هوش معنوی	۰/۰۳	۱/۲۱	---	---	۰/۰۳	۱/۲۱	۰/۰۳
سبک‌های عشق‌ورزی	۰/۷۰*	۸/۸۷	---	---	۰/۷۰	۸/۸۷	۰/۷۰

\*p<۰/۰۵

سازگاری زناشویی داشته است. علاوه بر بررسی اثرات مستقیم در این مدل، اثرات غیر مستقیم نیز مورد بررسی واقع شد. نتایج نشان داد که هوش معنوی (۰/۰۸) اثر غیر مستقیمی بر شادکامی زوجین ندارد، در حالی که سبک‌های عشق‌ورزی (۰/۲۵) به واسطه سازگاری زناشویی بر شادکامی زوجین اثر داشته است. مدل نهایی پژوهش در شکل ۲ آمده است.

پس از بررسی و مداخله متغیر سازگاری زناشویی به عنوان متغیر واسطه‌ای، نتایج حاصل از مدل نشان می‌دهد، هر سه متغیر هوش معنوی (۰/۳۳)، سبک‌های عشق‌ورزی (۰/۲۸) و سازگاری زناشویی (۰/۱۰) اثر مستقیمی بر شادکامی زوجین داشتند. همچنین نتایج نشان داد که هوش معنوی (۰/۰۳) اثر مستقیمی بر سازگاری زناشویی نداشته، در حالی که متغیر سبک‌های عشق‌ورزی (۰/۷۰) اثر مستقیمی بر



شکل ۲. مدل نهایی پژوهش برای شادکامی

### بحث

باتوجه به اهمیت نهاد خانواده و تأثیر آن در نظام جامعه شادکامی اعضای آنرا می‌توان به عنوان یکی از معیارهای سلامت جامعه به شمار آورد. شادکامی نیز یکی از مباحث اثبات شده در زندگی است. شادکامی و خلق مثبت برای افراد، اثرات خوبی به همراه دارد؛ از جمله اینکه باعث تأمل بیشتر افراد می‌شود، کیفیت ارتباطات را بالا می‌برد، افراد نودوست می‌شوند و به دیگران کمک می‌کنند. با توجه به آنکه مهمترین اجزای کیفیت روابط زناشویی، شادکامی زوجین است پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی شادکامی زوجین بر اساس هوش معنوی، سبک‌های عشق‌ورزی با نقش واسطه‌ای سازگاری زناشویی انجام شد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد هوش معنوی اثر مستقیمی بر شادکامی زوجین ندارد. این یافته با نتایج یافته‌های پناهی (۱۳۸۸)؛ دینر و سو (۱۹۹۷)؛ رایس (۲۰۰۱)؛ ضمیری نژاد و همکاران (۱۳۹۲)؛ مایرز (۲۰۰۲)؛ حیدری و همکاران (۱۳۹۴) و باب الحوائجی و همکاران (۱۳۹۰)

نتایج حاصل از مدل نهایی مطابق با مدل مفهومی نشان می‌دهد که هر سه متغیر هوش معنوی، سبک‌های عشق‌ورزی و سازگاری زناشویی اثر مستقیمی بر شادکامی زوجین داشتند. همچنین نتایج نشان داد که هوش معنوی اثر مستقیمی بر سازگاری زناشویی نداشته است، اما در مدل مفهومی هوش معنوی اثر مستقیمی بر سازگاری زناشویی دارد. یافته‌های به دست آمده از مدل نهایی بیانگر آن است که متغیر سبک‌های عشق‌ورزی اثر مستقیمی بر سازگاری زناشویی داشته است که این یافته با مدل مفهومی همسو است. علاوه بر بررسی اثرات مستقیم در این مدل، اثرات غیر مستقیم نیز مورد بررسی واقع شد. نتایج مدل نهایی نشان داد که هوش معنوی اثر غیر مستقیمی بر شادکامی زوجین ندارد اما در مدل مفهومی هوش معنوی به واسطه سازگاری زناشویی بر شادکامی زوجین اثر دارد. همچنین سبک‌های عشق‌ورزی به واسطه سازگاری زناشویی بر شادکامی زوجین اثر داشته است که این یافته با مدل مفهومی پژوهش همسو است.

همخوانی دارد. چنین به نظر می‌رسد که نیایش و ارتباط معنوی با خداوند و برخورداری از زندگی معنوی، از عوامل مهم و اساسی در ایجاد شادکامی است (پناهی، ۱۳۸۸). دینر و سو (۱۹۹۷) معتقدند که، افراد دارای گرایش دینی، با این عقیده که در جهان مقصد والایی وجود دارد، می‌توانند شادکامی و خوشبختی خود را افزایش دهند. از نظر رایس (۲۰۰۱) شادکامی مبتنی بر ارزش، حاکی از معنی‌دار بودن زندگی است و یکی از مهمترین و مؤثرترین راه‌های ارضای امیال، روی آوردن به معنویت می‌باشد که می‌تواند میل به افتخار و احترام را برآورده کند. این راه مبتنی بر ارزشها، به سمت شادکامی‌های بزرگتر و مهمتر منتهی می‌شود. نتایج یافته‌های ضمیری نژاد و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد که هوش معنوی به صورت معنی‌داری قادر به پیش‌بینی شادکامی در دانشجویان می‌باشد. باب الحوائجی و همکاران (۱۳۹۰)؛ حیدری و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که، ارتباط معنی‌داری بین هوش معنوی و شادکامی وجود دارد. در مطالعاتی که در آمریکای شمالی انجام گرفته است، بین شادکامی و پرداختن به فعالیت‌های معنوی همبستگی بالایی به دست آمده است (مایرز، ۲۰۰۲). در تبیین این یافته می‌توان گفت فردی که از هوش معنوی استفاده می‌کند، می‌تواند برای تجربیات منفی که بانی بیماری‌های روح و روان می‌شود، معنایی پیدا کند و از رنج آنها در امان بماند و یا رهایی پیدا کند. از طرفی دیگر با دیگران ارتباط عمیق‌تری برقرار سازد و در نهایت رضایت زندگی خود را بالا ببرد و به شادکامی حقیقی برسد.

همچنین سبک‌های عشق‌ورزی اثر مستقیمی بر شادکامی زوجین دارد. نتایج این پژوهش با یافته‌های ایش و استفانو (۲۰۰۵)؛ کیم و هاتفیلد (۲۰۰۴)؛

استروب (۲۰۰۲) و رفیعی نیا و اصغری (۱۳۸۶) همسو است. ایش و استفانو (۲۰۰۵) نشان داده‌اند که عشق پیامدهایی برای سلامت و بهزیستی‌دارد و ممکن است مناطق مغزی مرتبط با هیجان، توجه، انگیزش و حافظه (یعنی ساختارهای لیمبیک) را فعال سازد و همچنین دستگاه عصبی خودمختار را کنترل کند؛ یعنی تنیدگی را کاهش دهد و عملکرد دستگاه ایمنی را بهتر سازد. مطابق با یافته‌های این پژوهش، کیم و هاتفیلد (۲۰۰۴) به این نتیجه دست یافتند که رضایت از زندگی به گونه قوی‌تری بوسیله عشق پیش‌بینی می‌شود و صمیمیت در سبک‌های عشق‌ورزی با شادکامی و خرسندی و حالت بهزیستی همراه است. عشق یک پیش‌بینی‌کننده مهم شادکامی، رضایت و هیجان‌های مثبت است و تولید مثل را تسهیل و باعث حس امنیت و کاهش اضطراب و تنیدگی می‌شود (کیم و هاتفیلد، ۲۰۰۴). نتایج یافته‌های رفیعی نیا و اصغری (۱۳۸۶) نشان داد که عشق با عاطفه مثبت ارتباط مستقیم و معنادار و با عاطفه منفی ارتباط معکوس و معنادار داشت. یافته‌های استروب (۲۰۰۲) نشان داد که صمیمیت که یکی از مؤلفه‌های سبک‌های عشق‌ورزی است، با شادکامی، خرسندی و حالت بهزیستی همراه است.

نتایج دیگر پژوهش نشان داد که سازگاری زناشویی اثر مستقیمی بر شادکامی زوجین دارد. نتایج این پژوهش با یافته‌های پروچینو و همکاران (۲۰۰۹)؛ دیمکپا (۲۰۱۰)؛ دهلی و لندرز (۲۰۰۵)؛ توماس (۱۹۷۷) و آرجیل (۲۰۰۰) همسو است. پروچینو و همکاران (۲۰۰۹) بیان کردند که سازگاری زناشویی موجب افزایش عمر، امید به زندگی، شادکامی و نیز کاهش احتمال ابتلای زوجین به بیماری‌های جسمی و روانی می‌گردد. یافته‌های دیمکپا (۲۰۱۰) نشان داد که

زناشویی مؤثر است، عامل شناختی است. بنابراین در تبیین یافته‌های پژوهش می‌توان گفت هوش معنوی از عوامل شناختی محسوب می‌شود. با توجه به اینکه کشور ما ایران، کشوری اسلامی است و دین اسلام، کاملترین دین جهان، آموزش‌های فراوانی در رابطه با مسائل زناشویی و ایجاد رابطه سالم و رضایت‌بخش بین زوجین دارد، با توجه به تعریف هوش معنوی در این پژوهش، به نظر می‌رسد که هوش معنوی، نوعی خودشناسی اسلامی است. در واقع این هوش بیشتر مربوط به پرسیدن در مورد خود، زندگی و جهان پیرامون است که می‌توان گفت خودشناسی ضعیف افراد در مورد خودشان و ناتوانی در درک سؤالات هوش معنوی می‌تواند در نتایج پژوهش اثرگذار باشد. همچنین دانشجویان متأهل با توجه به دغدغه‌های تحصیلی، مالی و شغلی کمتر فرصت خودشناسی و کنکاش راجع به خود، زندگی و جهان پیرامونشان دارند پژوهش‌های پیشین از ابزار متفاوتی برای سنجش هوش معنوی استفاده کردند، بنابراین رسیدن به این نتیجه در پژوهش حاضر بعید نیست.

نتایج پژوهش نشان داد که سبک‌های عشق‌ورزی اثر مستقیمی بر سازگاری زناشویی داشته و سبک‌های عشق‌ورزی به واسطه سازگاری زناشویی بر شادکامی زوجین اثر داشته است. نتایج این پژوهش با یافته‌های هدایتی دانا و صابری (۱۳۹۳)؛ دغاغله و همکاران (۱۳۹۱)؛ پاتریک، و همکاران (۲۰۰۷) همسواست. در تبیین این یافته می‌توان گفت احساس عشق، هیجانی است که با تحریک شهوانی همراه می‌گردد اما افراد ممکن است پس از وصل جنسی (ارضای میل/ هوس) یکدیگر را غیر جذاب ببینند، به همین دلیل برخورداری از عشق اصیل و واقعی در رابطه، مستلزم وجود صمیمیت، تعهد و به کارگیری خرد است. به طور کلی

اصطلاح سازگاری زناشویی بر توانایی زوجین برای راضی و شاد شدن و کسب موفقیت در تعدادی از وظایف خاص مربوط به ازدواج اشاره دارد. توماس (۱۹۷۷) سازگاری زناشویی را حالتی می‌داند که در آن زن و شوهر احساسات شادکامی و رضایت نسبت به همسر و ازدواج دارند. نتایج تحقیقات دهلی و لندرز (۲۰۰۵) نشان داد که سازگاری زناشویی یکی از عوامل مهم و مؤثر بر سلامتی زوجین و از مهم‌ترین شاخص‌های رضایت زندگی است. سازگاری زناشویی مجموعه‌ای از عوامل نظیر حل تعارض موفقیت‌آمیز، یا موفقیت در فعالیت‌های مرتبط با شادکامی در فرآیند ازدواج رادبر می‌گیرد. تحقیقات آرجیل بیانگر آن است که رابطه زناشویی موفق باعث شادکامی و ایجاد خلق مثبت در فرد می‌شود (آرجیل، ۲۰۰۰).

نتایج حاصل از مدل نهایی پژوهش نشان داد که هوش معنوی اثر مستقیمی بر سازگاری زناشویی نداشته است. نتایج این یافته با مدل مفهومی پژوهش و یافته‌های ساتکین، و همکاران (۱۳۹۳)؛ رحیم پور و همکاران (۱۳۹۲) و زارعی، احمدی سرخونی (۱۳۹۱) ناهمسو است. در حالیکه معنویت جستجویی برای یافتن عناصر مقدس، معنایی، هوشیاری بالا و تعالی است، هوش معنوی شامل استفاده از چنین توانایی‌ها و ظرفیت‌ها است که می‌تواند کارکرد و سازگاری فرد را پیش‌بینی کند (ایموز، ۲۰۰۰). در واقع این هوش بیشتر مربوط به پرسیدن است تا پاسخ دادن، بدین معنا که فرد سؤالات بیشتری را در مورد خود، زندگی و جهان پیرامون خود مطرح می‌کند (مکمولن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳ به نقل از رحیم پور و همکاران، ۱۳۹۲). همانطور که فینچام و بیچ، (فینچام و بیچ ۲۰۰۰ به نقل از شاه سیاه و همکاران ۱۳۸۹) بیان کردند، اولین عامل که در سازگاری

<sup>1</sup> McMollen

می‌توان گفت فردی که میزان صمیمیت بالاتری را تجربه می‌کند، قادر است خود را به شیوه‌ای مطلوب‌تر در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکل مؤثرتری به شریک و همسر خود ابراز کند. زوج‌هایی که صمیمیت بالاتری دارند ممکن است قابلیت بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود داشته باشند و در نتیجه سازگاری زناشویی بالاتری را تجربه کنند، لذا زوجینی که سازگاری بالاتری دارند، شادی بیشتری را در روابط خود احساس می‌کنند (پاتریک و همکاران، ۲۰۰۷). از سوی دیگر وجود تعهد در رابطه، باعث شکل‌گیری اعتماد و اطمینان می‌شود. احساس تعهد نسبت به همسر نیز موجبات توجه به خواسته‌های وی، صرف وقت و توجه را فراهم می‌سازد. در خانواده‌های متعهد، اعضا نه تنها خود را وقف آسایش و بهزیستی خانواده می‌کنند بلکه در رشد و تعالی هر یک از اعضای آن می‌کوشند (هریس، ۲۰۰۶). تعهد به زوجین اجازه می‌دهد تا به طور مؤثری در برابر خواسته‌های یکدیگر انعطاف داشته باشند و در نهایت از روابط خود لذت بیشتری ببرند و به شادکامی دست پیدا می‌کنند (پترسون، ۲۰۰۲). تطبیق نتایج تحقیق با نظریه‌ها و تحقیقات قبلی حاکی از آن است که همسویی و سازگاری بین آنها وجود دارد. امروزه شادکامی به یکی از شاخص‌های توسعه جوامع تبدیل شده است. وقتی شادکامی در ارتباط با دانشجویان به عنوان قشر پر جنب و جوش جامعه مطرح می‌شود، اهمیت آن دوچندان می‌شود. شادکامی و نشاط اجتماعی با فعال بودن و پر جنب و جوشی نسل جوان و دانشجو ارتباط مستقیم دارد و زمینه را برای بالندگی و بهره‌وری این قشر دانشجویی مهیا می‌کند، از همین رو است که بسترسازی برای ایجاد هوش معنوی، سبک‌های عشق‌ورزی و سازگاری زناشویی در جهت

افزایش شادی دانشجویان متأهل از الزاماتی است که مسئولان و برنامه‌ریزان باید به آن اهتمام بورزند. این پژوهش مانند هر پژوهش علمی دیگر با محدودیت‌هایی مواجه بود از جمله اینکه یافته‌های این پژوهش حاصل اطلاعات گردآوری شده از طریق پرسشنامه‌های خود گزارش‌دهی در جامعه محدود به دانشجویان متأهل دانشگاه تهران بود، لذا توجه به این نکته در تعمیم دهی نتایج به گروه‌های دیگر نیز حائز اهمیت است. از این رو انجام دادن پژوهش‌های مشابه در میان جامعه متفاوت ضرورت می‌یابد. همچنین استفاده از ابزارهای مختلفی مثل مشاهده، مصاحبه و درجه‌بندی رفتار دانشجویان متأهل بر قابلیت اعتماد نتایج پژوهش خواهد افزود. بیشتر پژوهش‌ها در این مورد، براساس مطالعات مقطعی بوده است. نظر به اینکه در مطالعات طولی می‌توان، اطلاعات از وضعیت گذشته فرد را به عنوان عوامل تعیین‌کننده شادکامی زوجین بررسی کرد، لذا پیشنهاد می‌شود با استفاده از مطالعه طولی، رابطه هوش معنوی، سبک‌های عشق‌ورزی و سازگاری زناشویی با شادکامی زوجین بررسی شود تا تعمیم‌پذیری بیشتری برای یافته‌های این پژوهش تامین گردد. همچنین در پایان، پیشنهاد می‌شود مطالعات بعدی در بررسی عوامل تأثیرگذار بر شادکامی دانشجویان متأهل، تأثیر عوامل فرهنگی، محیطی و خانوادگی را مورد بررسی قرار دهند. با توجه به اینکه سطح تحصیلات و تجربیات در جامعه دانشجویی و جامعه عادی تا حدی متفاوت است، به همین دلیل بهتر است که پژوهش‌هایی از این دست در جامعه‌های غیر دانشجویی هم اجرا شود تا نتایج از اعتبار و قابلیت بیشتری برخوردار باشد.

## منابع

- استرنبرگ، ر. (۱۳۸۶). *قصه عشق (نگرشی تازه به روابط زن و مرد)*. ترجمه ع. ا بهرامی (۱۳۸۶). تهران: نشر جوانه رشد. (انتشار منبع به زبان اصلی (۱۹۹۷).
- امیری‌مجد، م.، و زری‌مقدم، ف. (۱۳۸۹). رابطه شادکامی و رضایت زناشویی در بین زنان شاغل فرهنگی و خانه‌دار شهر اراک. *فصلنامه علوم رفتاری، تابستان*، ۲(۴)، ۲۱-۹.
- بلاغت، س. ر.، ابراهیم‌زاده اسمین، ح.، موسوی‌نژاد، س. ج.، خزاعی، ز.، محمودوند، م. (۱۳۹۲). بررسی رابطه شادکامی و رضایت از زناشویی در بین خانواده های شهرستان زهک. *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۷(۲۲)، ۱۰۲-۸۴.
- باب الحوائجی، ف.، رستمی‌نسب، ع.، تاج‌الدینی، ا.، هاشمی‌نسب، ف. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین هوش معنوی و شادکامی کتابداران شاغل در کتابخانه های دانشگاه تهران. *کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی*، ۴۵(۵۸)، ۱۲۱-۱۰۱.
- بخشنده، س. (۱۳۸۱). *بررسی رابطه بین عشق و رضایت زناشویی در دانشجویان زن متأهل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- پناهی، ع. ا. (۱۳۸۸). *عوامل نشاط و شادکامی در همسران از منظر دین و روانشناسی*. *فصلنامه معرفت*، ۱۸(۱۴۷)، ۳۸-۱۵.
- پورجمشیدی، م.، بهشتی‌راد، ر. (۱۳۹۴). تأثیر هوش اخلاقی و سلامت روان بر شادکامی دانشجویان. *پژوهش‌نامه روانشناسی مثبت*، ۱(۴)، ۶۶-۵۵.
- ثابت، م.، لطفی‌کاشانی، ف. (۱۳۸۹). *هنجاریابی آزمون شادکامی آکسفورد*. *اندیشه و رفتار در روان‌شناسی کاربردی*، بهار، ۴(۱۵)، ۱۸-۷.
- ثنایی، ب. (۱۳۷۹). *مشاوره و روان‌درمانی در ازدواج*. تهران: بعثت
- حریری، ن.، زرین‌آبادی، ز. (۱۳۹۰). *تحلیل جمعیت‌شناختی هوش معنوی کتابداران دانشگاه‌های دولتی شهر اصفهان*. *پژوهش‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۱(۲)، ۴۴-۲۹.
- حسین‌نژاد، م. (۱۳۷۴). *بررسی میزان ناسازگاری والدین کودکان عقب‌مانده ذهنی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.
- حیدری، ا.، کوروش‌نیا، م.، حسینی، س. م. (۱۳۹۴). رابطه بین هوش معنوی و شادکامی به واسطه بهزیستی روانشناختی. *فصلنامه روشها و مدل‌های روانشناختی*، ۶(۲۱): ۸۵-۷۳.
- دانش، ع. (۱۳۸۴). *نقش خودشناسی در درمان اختلافات زناشویی*. تهران: گلشن اندیشه.
- دغاغله، ف.، عسگری، پ.، حیدری، ع. (۱۳۹۱). رابطه بخشودگی، عشق، صمیمیت با رضایت زناشویی. *فصلنامه یافته‌های نو در روانشناسی*، ۷(۲۴)، ۶۹-۵۶.
- رحیم‌پور، ف.، صالحی، س. ی.، حسینیان، س.، عباسیان، م. (۱۳۹۲). *تبیین رضایت زناشویی زوجین بر اساس هوش معنوی و طرحواره ناسازگار اولیه*. *تحقیقات مدیریت آموزشی*، ۴(۳)، ۹۰-۷۸.
- رفیعی‌نیا، پ.، اصغری، آ. (۱۳۸۶). *رابطه بین انواع عشق و بهزیستی ذهنی در دانشجویان متأهل*. *خانواده پژوهشی*، ۳(۹)، ۵۰۱-۴۹۲.
- زارعی، ا.، احمدی‌سرخونی، ط. (۱۳۹۱). *نقش پیش‌بینی‌کننده‌های هوش معنوی و الگوهای ارتباطی با میزان رضایتمندی زناشویی زوجین*. *مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در شهر بندرعباس*. *پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره*، ۲(۲)، ۱۱۶-۱۰۱.



هدایتی دانا، س.، صابری، ه. (۱۳۹۳). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های عشق‌ورزی (صمیمیت، میل، تعهد) و اضطراب. *خانواده پژوهی، زمستان، ۱۰(۴)، ۵۱۱-۵۲۷*.

Argyle, M. (2000), *The psychology of happiness* (2nd ed.), London: Routledge.

Berkler, S.J. (1990). Applications of covariance structure modeling in psychology: cause for concern. *Psychological bulletin, 107, 260-73*.

Cohen, D., Yoon, D. P., Johnston, B. (2009). Differentiating the impact of spiritual experiences, religious practices and congregational support on the mental health of individuals with heterogeneous medical disorders. *International Journal for the Psychology of Religion, 19(1), 121-138*

Dehle, C., Landers, J. E. (2005). Personality traits and social support in marriage. *Journal of social and clinical psychology, 24(7), 1051-76*.

Diener, E. Suh, S. (1997). Recent findings on subjective well-being. *Journal of clinical Psychology, 61, (820), 27-56*.

Dimkapa, I.D. (2010). Martial adjustment roles of couples practicing child adoption. *European journal of social sciences, 13(2), 194-200*.

Dush, C., M., K., Taylor, M. G., & Kroeger, R. A. (2008). Marital happiness and psychological well-being across the life course. *Family Relations, 57(2), 211-226*.

Elkins, M.R. (2004). Developing a plan for pediatric spiritual care. *Holistc Nursing Practice, 18 (4), 179-186*.

Emmons, A. (2000). Is spirituality intelligence? Motivation, cognition, and the psychology of ultimate concern. *International Journal for the Psychology of Religion, 10 (1), 3-26*.

Esch, T., Stefano, G. B. (2005). Love promotes health. *Neuroendocrinology Letters, 26(3), 264-267*

Gonzaga, G. C., Keitner, D., Londhal, E. A., & Smith, M. D. (2006). Love and commitment in romantic relations and friendship. *Personality and social psychology, 81 (2), 247- 264*.

ساتکین، م.، فتحی آشتیانی، ع.، قهوه چی الحسینی، ف.، اله وردی، س. (۱۳۹۳). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس هوش معنوی و هوش هیجانی. *مجله علوم رفتاری، ۱۸(۱)، ۲۹-۳۵*.

سپهریان آذر، ف.، محمدی، ن.، بدلپور، ز.، نوروز زاده، و. (۱۳۹۵). رابطه امیدواری و شادکامی با رضایت زناشویی. *فصلنامه سلامت و مراقبت، ۱۸(۱)، ۳۸-۴۴*.

شاه سیاه، م.، بهرامی، ف.، اعتمادی، ع.، مجبی، س. (۱۳۸۹). تأثیر آموزش جنسی بر بهبود رضایت زناشویی زوجین شهر اصفهان. *مجله تحقیقات نظام سلامت، ۶(۴)، ۶۹۷-۶۹۰*.

ضمیری نژاد، س.، پلتن، م.، حق شناس، م.، تیرایی، ی.، اکابری، آ. (۱۳۹۲). پیش‌بینی شادکامی دانشجویان بر اساس هوش معنوی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، ۲۰(۵)، ۷۷۳-۷۸۰*.

عابدی، م. (۱۳۸۳). بررسی و مقایسه اثربخشی روشهای مشاوره شغلی به سبک نظریه یادگیری اجتماعی. سازگاری شغلی و مدل شناختی-رفتاری شادمانی فوردایس بر کاهش فرسودگی شغلی مشاوران آموزش و پرورش اصفهان. پایان نامه دکترای مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

فرحبخش، ک.، شفیع آبادی، ع. (۱۳۸۵). ابعاد عشق ورزی بر اساس نظریه سه بعدی عشق در چهار گروه زوج‌های در مرحله نامزدی، عقد، ازدواج و دارای فرزند. *دانش و پژوهش در روانشناسی، ۳۰، ۱-۲۰*.

هادی نژاد، ح.، زارعی، ف. (۱۳۸۸). پایایی، اعتبار و هنجاریابی پرسشنامه شادکامی اکسفورد. *پژوهش‌های روان‌شناختی، تابستان، ۱۲(۱)، ۶۲-۷۷*.

- Patrick, S., Sells, J. N. Giordano, F. G. & Tollerud, T. R. (2007). Intimacy, differentiation, and personality variables as predictors of marital satisfaction. *The Family Journal*, 15, 359-367.
- Patterson, J. M. (2002). Integrating family resilience and family stress theory. *Journal of Marriage and the Family*, 64, 349-360.
- Pruchno, R. M; Wilson – Genderson, F. P & Cartwright, R. (2009). Depressive symptoms and marital satisfaction in the context of chronic disease. *Journal of family psychology*, 23(4), 573-584.
- Reiss, s. (2001). Secrets of happiness. *Journal of Today Psychology*, 3, 50-55
- Spanier, G. B. (1976). Measuring dyadic adjustment: New scale for assessing the quality of marriage and similar dyads. *Journal of Marriage and Family*, 38, 15-28.
- Starks, S., & Hughey, A. M. (2003). Africa American women at midlife: The relation between spirituality and life satisfaction. *Journal of Africa American Women*, 18(2), 133-147.
- Sternberg, R. J. (1986). *A triangular theory of love*. Psychology Review, 93, 119-135.
- Straub, R. O. (2002). *Health Psychology*. New York: Worth Publishers.
- Thomas, E. J. (1977). *Marital communication and decision making*. New York: Free press.
- Tublin, P. (2010). *Live happily ever after with realistic expectations*. Available: [http://befreetolove.com/happily-ever-after/]Self Growth.
- Vanlaningham, J, Johnson, D., & Amato, Paul. (2001) *Marital happiness, marital duration and the u-shaped curve* Social forces (pp 1313- 1341). North Carolina: University of North Carolina press,
- Veenhovn, R. (1993) "World Database of Happiness", *Social Indicators Research*, 34, 299-313,
- Greef, A. P., Abraham, L., Malherbe, L., & Hilegarde, E. (2000). Intimacy and marital satisfaction in spouses. *Journal of sex & Marital Therapy*, 27, 247-257.
- Harris, V. W. (2006). Context and interaction: A comparison of individuals across various income levels. *Science Context*, 17(4), 48-52.
- Hills, P., & Argyle, M. (2002). The Oxford happiness questionnaire: a compact scale for the measurement of psychological well-being. *Personality and Individual Differences*, 33, 73-82.
- Joreskog, K.G., & Sorbom, D. (2003). *LISREL 8: User's Reference Guide*. Chicago: Scientific Software Inc.
- Kearns, J. N., & Leonard, K. E., (2004). Social networks, structural interdependence, and marital quality over the transition to marriage: A prospective analysis. *Journal of Family Psychology*, (18), 383-395.
- Kim, J. & Hatfield, E. (2004). Love types and subjective wellbeing: A cross-cultural study. *Social Behavior and personality*, 32(2), 173-182.
- Kimball, M., Willis, R. (2006). *Utility and happiness*. Michigan: University of Michigan.
- King, D. (2008). *Rethinking claims of spiritual intelligence: a definition, model and measure* Application of modeling in the Natural and social sciences program. Canada: Trent University.
- King, D. B, Decicco T., L. (2009). A viable model and self-report measure of spiritual Intelligence. *The International Journal of Transpersonal Studies*, 28, 68-85.
- Maltby, J., Lewis, C., Day, L. (2000) Religious orientation and psychological well-being: The role of the frequency of personal prayer. *British Journal of Health Psychology*, 4(4), 363-78.
- Myers, D. G. (2002), *Happiness, excerpted from psychology*. (7th. ed.), New York: Worth Publishers.